

سفرنامه

دارد و آن دو باهم قابل جمع هستند؟ چنانکه ملاحظه می‌شود، پرداختن به مقوله‌های بالا و یافتن جوابهای مقبول و منطقی، نیازمند ارزیابی و قدردانهای مختلف در حوزه‌های عملی و نظری در ایران و غرب می‌باشد؛ اما از طرفی بررسی و ارزیابی آنها به جهت گستره بودن بحث و از طرف دیگر خارج بودن آن از موضوع مقاله، فرستاد دیگری می‌طلبد.

مقاله حاضر، جستاری کوتاه به یکی از راههای ورود تفکر جدید به ایران دارد تا در مقام بررسی و ارزیابی ریشه‌های ورود غرب‌گرانی در تاریخ ایران معاصر، افقهای تازه‌ای پیش روی ما گشوده شود و بستر مناسب برای طرح مباحثی همچون «مدربنیسم» «سنت و تجدد»، «دین و دنیا» و موضوعهای دیگر آمده گردد.

کار و پژوهه سفرنامه‌ها

سفرنامه‌ها قدیمی ترین مطلبی هستند که به وسیله اشخاص متعدد از پایگاه‌های اجتماعی مختلف نوشته شده‌اند و ارزاری می‌باشند که ما را با فرهنگ جدید به صورت ملموس آشنا می‌کنند و هم‌زمان مشخصات زیر را دارا هستند: ۱- وارد کردن افکار تازه به جامعه سنتی ایران و ترویج آنها در میان طبقه‌های مختلف مردم ۲- شکل‌دهی آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب پرآسان این گزارشها: هرجه گزارشگری واقع بین و به دور از تحلیل‌های قشری باشد، می‌تواند در انعکاس چهره ملل و سرزمینها موثرتر باشد. ۳- ستایشگری نسبت به فرهنگ غرب و سرزنش و تحقیر فرهنگ ایرانی: احساس عقب‌ماندگی از غرب و در مواردی احساس بی‌ هویتی ملی در نزد سفرنامه‌نویسان باعث دلدادگی و دل‌سپردگی نسبت به غرب می‌گردد.

پایگاه اجتماعی سفرنامه‌نویسان

سفرنامه‌ها را به لحاظ پایگاه اجتماعی نویسنده‌گان و رویکرد آنان به فرهنگ غرب می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: الف- سفرنامه‌هایی که به وسیله صاحبان مناسب دولتی نوشته می‌شوند. این افراد به عنوان دیبلمات جهت انجام مأموریت‌های دیپلماتیک به کشورهای متعدد مسافت می‌کردن و در ضمن سفر، خاطره‌های خود را به صورت سفرنامه می‌گذارند. به عنوان مثال می‌توان به حیرت‌نامه یا سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی اشاره کرد. همچنین سفرنامه‌هایی که به وسیله متشی‌های حرفه‌ای نوشته می‌شوند که آنان با عنوان نویسنده و مجرر، همراه مقام عالی رتبه به سر می‌برند؛ مانند مخزن الواقع که سفرنامه مردمی مهم، یعنی فخر خان امین‌الدوله می‌باشد که به وسیله حسین بن عبدالله سراجی تالیف شده است. وی در کتاب فخر خان امین‌الدوله بود که به مجامع عمومی کمتر راه پیدا کرده و صرف‌ا در پیشگاه او انجام وظیفه می‌نموده است. ب- سفرنامه‌هایی که به وسیله ایرانیان تحقیل کرده در کشورهای غربی به نگارش درآمده است؛ مانند گزارش سفر میرزا صالح شیرازی. این قبیل آثار از سفرنامه‌های دیگر می‌تواند مهمتر و کاراتر باشد؛ چراکه نویسنده‌گان آن از پایگاه اجتماعی بالا و سطح علمی قابل قبولی در زمان خود برخوردار بودند و در شمار نخبگان علمی جامعه قلمداد می‌شوند. هرچند که این نوع سفرنامه‌ها در اقلیت هستند ولی با این حال قابل دقت و تأمل می‌باشند.

ج- سفرنامه‌هایی که توسط سیاحان و تجار ایرانی به رشتہ

سفرنامه، سفرنامه و سفرنامه؛ آه از این سفرنامه‌ها که با تاریخ و چغروفایی سرزمین ما چه کردند. آنچه که سیاحان ما در سفرنامه‌های خود از غرب نوشته‌ند موجب خودباختگی، حیرت و خودکمی‌بینی ما شد که استیلای غرب بر جوامع شرقی نتیجه آن بود؛ اما آنچه که غربیانه در سفرنامه‌های خود از کشورهای شرقی نگاشتند با نگاهی کنچکاو، متکبرانه و سودجویانه بود که نتیجه آن استیلای هر چه بیشتر، بهتر و اسانتر بر سرزمینهای ثروتمند و استراتژیک شرق گردید.

باری عمدت سفرنامه‌نویسان ایران که عمدتاً در عصر قاجار و طلیعه گسترش مدرنیته در جوامع شرقی ظهور کردند، بدن درگ مبانی فکری و ریشه‌های تاریخی تحولات جدید مغرب سرزمین به شرح و تفصیل ظواهر آن پرداختند و خواسته یا ناخواسته پل نفوذ و سیطره فرهنگی غرب بر ایران شدند. هر چند که نه تمام آنها اما اکثرشان به مجامع فرهنگی استعماری مانند اُزهای فراماسونری وابستگی پیدا نمودند و به تدریج در واسنای اهداف و ارمغانهای آنها حرکت کردند. در مقاله حاضر «تحفه‌العالی» عبدالطیف شوشتري، «حیرت نامه» ابوالحسن خان ایلچي و «سفرنامه» میرزا صالح شیرازی، به عنوان سه نمونه غیر هم‌سطح و متفاوت از این سفرنامه‌ها مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته‌اند که تقدیم حضور شما عزیزان و گرامیان می‌گردد.



نخستین برخورد ایران و غرب، بیشتر جنبه اقتصادی و نظامی داشت و اصولاً اروپا از این طریق در ایران به مقاصد خود می‌رسید و همین روابط، زمینه ساز اشنازی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب بود. با این وصف در انتقال تفکر جدید، تنها روابط اقتصادی و نظامی دخیل نبوده؛ است بلکه عوامل دیگری نیز دخالت داشته‌اند که سفرنامه‌ها یکی از آن موارد است. مقاله حاضر با پرداختن به سفرنامه‌های «تحفه‌العالی»، «حیرت نامه» و «گزارش سفر میرزا صالح شیرازی» سعی دارد نخستین بازتاب ایرانیان را در برایر غرب جدید به تصویر بکشد.

درآمد

بحث درباره فرهنگ غرب و چگونگی ورود آن به ایران از می‌لختی است که محققان متعددی با زاویه نگرشهای کاملاً متفاوت به آن پرداخته‌اند. مساله مهم در طرح اینگونه مباحثه، توجه و اهتمام به پرسش‌های بنیادین زیر می‌باشد: آیا ایرانیان در مواجهه با فرهنگ جدید غرب به شناختی بنیادین از ماهیت آن دست یافته بودند؟ آیا کسانی که خواهان غربی شدن در تمام حوزه‌های فکری و اجتماعی بودند، بر لوازم گفته‌های خویش، آگاهی داشتند یا این که صرفاً شیفتگی نسبت به ظواهر تمدن جدید، آنها را به تقلید و الگو برداری سطحی و اداری می‌کرد؟ آیا پذیرش فرهنگ جدید با تأمل و تفکر در مبانی فکری و نظری آن همراه بود یا اینکه فقط خواهان اخذ ظواهر آن بودند؟ آیا بین مبانی نظری تمدن جدید و فرهنگ سنتی ایران سازگاری وجود

تحریر درآمده است؛ مانند مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب^۱ و تحفه‌العالم. در این نوشته به علت محدودیت‌های خاص، تنها به چند نمونه از این سفرنامه‌ها که جزء اولین متابعی است که ایرانیان را با افکار جدید آشنا ساخته، اشاره می‌شود. نویسنده‌گان این سفرنامه‌ها عموماً سایشگر و دلداده غرب بوده‌اند. با این وصفه، باید به این نکته نیز اشاره کرد که در میان سفرنامه‌ها، متابعی هرچند محدود نیز یافت استقلال نهادهای آن از بند فرماتروایی دنیوی پاپ و دستگاه کلیسا در اروپا می‌داند و آن را اعمالی مهم در فروپاشی دستگاه کلیسا قلمداد می‌کند.^۲

آمده است. شوشتري با توصیفی که از انگلستان و دیگر کشورهای پس از دوره نوزایش (رسانس) شنیده بود گوشیده است تا به برخی ویزگیهای تجدید اشاره کند که از سه سده پیش از زمان او، دگرگونیهای بنیادینی را در مغرب زمین در پی داشت. شوشتري، خاستگاه دگرگونیها در سامان مغرب زمین را در تحول رابطه دولت و کلیسا و استقلال نهادهای آن از بند فرماتروایی دنیوی پاپ و دستگاه کلیسا در اروپا می‌داند و آن را اعمالی مهم در فروپاشی تعادم کم در آن زمان به اندازه خود با اهمیت و در خور توجه می‌باشد و جای دارد در تحقیقی مستقل به آنها پرداخته شود. در این نوشته مختصر و به اجمالی به این سفرنامه متفاوت از هم بینده کرده و توضیح کامل را به نوشتری دیگر و اگذار می‌کنیم.

۱- سفرنامه عبداللطیف شوشتري: عبداللطیف شوشتري در سال ۱۷۲۲ قمری در شوشت در خانواده‌ای متولد شد که سالها شیخ الاسلامی آن ولايت را به عهده داشتند. او از نوادگان سید نعمت الله جزایری^۳ می‌باشد.

«مقدمات علوم را در شوشت نزد عموبیش و تئی چند از علمای آنجا فراگرفت^۴ و پس از آموزش ابتدایی به آموختن هیئت نجوم و شیوه استخراج تقویم سرگرم شد.^۵ سپس برای ادامه تحصیلات خود به شهرهای مختلف ایران، عراق و برق از کشورهای خلیج فارس سفر کرد و در کربلاز درس آقا محمدبابقر بهبهانی بهره گرفت.^۶ وی سپس به ششده رضوی رفت و از آنجا به موطن خود شوشت پارگشت، پس از این تاریخ وی تحصیل علوم دینی را به اتمام نرساند و سفر هند و فکر تجارت، او را از ادامه تحصیل منصرف ساخت و دیگر به مباحثه و تحصیل ادامه نداد.

شوشتري تا سال ۱۲۱۶^۷ که در هندوستان مشغول نگارش

تحفه‌العلم^۸ بود، چیزی از دروس رسمی تحصیل نکرده بود. وی در هندوستان و در روز پکشنبه پنجم ماه ذی القعده سال ۱۲۲۰^۹ قدر شهر حیدرآباد دکن درگذشت.^{۱۰}

صاحب مرات الاحوال جهان‌نما که خود از نزدیک با

عبداللطیف آشنا بوده استه درباره ویزگیهای وی اینگونه می‌نویسد: «به غایت خجسته گفار و نیکو اطوار و آرمیده و بزرگ مشن و مبادی آتاب بود در تحریر و تقریر نیز سلیقه تامه داشت و در بلو امر فی الجمله از مراتب علمیه را نیز تحصیل کرده بود، و چیزی که در هنگام فوتش موجب حیرت و عبرت من شد این بود که از مفارقت آن مرحوم، دوست و دشمن و خوبی و بیگانه همه تالان و گریان بودند خار مفارقتش بر دل دوستان نشسته ازده و اعیان بر جنازه‌اش حاضر شدند و با دستگاه تمام تشییع کرده و در دایره میر^{۱۱} مدفون کردند.»^{۱۲} لازم به یادآوری است که وی به فرنگ مسافرت نکرده بود و تنها از طریق تماس با تگیزیه‌هایی که در هندوستان به سر می‌بردند، با آتاب و رسم انان آشنا شده و در کتاب خود در پی وصف و توضیح آنها برآمده است.

الف- تحفه‌العلم و دگرگونیهای بنیادین در مغرب زمین: هرچند که کتاب تحفه‌العلم یک سده پیش از مشروطیت ایران به نگارش درآمده است، اما با این حال برخی مفاهیم انسیشه مشروطیت را می‌توان در آن پیدا کرد. به احتمال زیاد این کتاب، نخستین نوشته فارسی می‌باشد که در آن از مشروطیت و نهادهای سلطنت مشروطه سخن به میان

هرچند یک سده پیش از انقلاب مشروطیت ایران نگاشته شده است، اما برای نخستین بار در آن به بسیاری از مباحث جدیدی که در ادبیات حاکم آن وقت یافت نمی‌شد: مانند برابری، مسالوات، حاکمیت در چارچوب قانون، مسلوب الاختیار بودن پادشاه،^{۱۳} انتظام سلطنت،^{۱۴} عدالت‌خانه و تهدید به عهد و پیمانی که شهروندان در قبال هم دارند توجه شده است به صورتی که باروری این اندیشه‌ها را در انقلاب مشروطه شاهد هستیم.

د- کاستیهای تحفه‌العلم: هرچند تحفه‌العلم از معنوی نوشته‌های می‌باشد که توانسته است تا حدودی دگرگونی واقعی پیرامونی را به دور از تعصبات کلیشه‌ای به تصویر بکشد و مسائل مهم زمان خود را برای ایرانیان به یادگار گذارد؛ ولی این باعث نمی‌شود که از دیده انتقاد به دور ماند. از این رو به برخی از این کاستیها اشاره می‌شود.

عدم انعکاس چهره استعماری غرب: آنچه در این نوشته و دیگر نوشته‌های همگون به چشم می‌خورد، عدم توجه به روش استعماری غرب می‌باشد؛ روشی که استعمارگران در مقاطع مختلف، تاکتیکهای متفاوتی را اتخاذ می‌کردند که عبارت بود از استعمار اقتصادی و گاهی دیگر استعمار سیاسی- فرهنگی. بر این اساس، وی نه تنها به این راهبرد اشاره نمی‌کند حتی در مواردی سعی می‌کند بر آن سریوش گذارد. تمام توجه شوشتري به داشش و ترقی اروپا معطوف می‌باشد در حالیکه در همان زمان، خاورمیانه و به خصوص ایران از ستم استعمارگران به ظاهر متفرقی در امان نبودند. پیش‌رفت علوم و تکنولوژی بداعث می‌شود که اینگونه افراد نتوانند غرب را با همه ویزگیهای دریابند. او غرب را مهد پیشرفت می‌داند ولی به این نکته توجه ندارد که علت عقب‌ماندگی کشور خودش (ایران) و دیگر کشورها چه می‌تواند باشد؟

عدم توجه به مبانی معرفت شناختی غرب: تحفه‌العلم بدون توجه به مبانی نظری و معرفت‌شناختی غرب، نه تنها آن را مورد نقد قرار نمی‌دهد، بلکه اثرها به ایران «ستنی» نیز تجویز می‌کند و بدون در نظر گرفتن تمایزها بر تقلید، اقتباس و دریافت تکنولوژی بدن اندیشه و متد علمی پاپ‌شاری می‌کند. بی‌توجهی به مبانی اندیشه‌ها موجب شده است تا تحفه‌العلم نیز مانند گزارش‌های دیگر سفرنامه‌نویسان ایرانی به صورت جنگی از داستانهای عجیب تبدیل شود؛ زیرا شوشتري، اگرچه بر پایه دیده‌های خود از شیوه فرماتروایی انگلیسیها در هند و شنیده‌هایش از سرزمین انگلستان وصفی کمایش سازگار با واقعیت به دست می‌دهد؛ اما از آنچه که نمی‌تواند شالوده نظری دگرگونیهایی غرب را توضیح دهد، ناچار نوشته او از محدوده یک گزارش فراتر نرفته است و در تحلیل چراچی آنها چنان موفق به نظر نمی‌رسد. نگاه شوشتري به غرب، در صنعت و تکنولوژی خلاصه می‌شود در حالیکه صنعت و تکنولوژی تنها ظواهر تمدن غرب بوده و هستند. آنچه فرهنگ غرب را از دیگر فرهنگها به ویژه فرهنگ ایران اسلامی متمایز می‌کند آن است که آن فرهنگ برمیانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خاص، یعنی بریایه‌های اومانیسم و لیبرالیسم استوار است؛ اصولی که نه تنها در فرهنگ اسلامی چایگاهی ندارد، بلکه در چالشی جدی با آن قرار دارند.

مستندهای ضعیف: روایتهای او از مغرب زمین یا تنها به

زیورگاریها، شب نشینی‌ها، خوشگذرانیها، زن بارگی‌ها و عشق بازیهای وی صفحه‌های زیادی را در بر می‌گیرد. و گونه‌ای که گویی ابوالحسن خان ایلچی، فقط برای وصف زنان و دختران و کیفیت رقص و دلبزی آنان به این سفر مامور بوده است.^{۲۸} البته ناکفته نماند که این مسافر فرنگی نسبت به بعضی از مقاصد اخلاقی آنجا اظهار ناراضیتی می‌کند: «چون به گرمایه درآمدیم پشمیان شدیم، نعوذ بالله، اهل آنجا که به صورت آدمی و از اشراف شهر مذکور محسوب می‌شدند، هم چون دد و حوان برملا با پجه‌گان ارامنه لواط می‌کردند. پس معلوم شد که خاص و عام این شهر به این کار شنبی شغلولند و به هیچ وجه بروانی ندارند، متاخر شده از حمام بیرون آمدند، به تفرج شهر طوف نمودیم».^{۲۹} نوع نگاه ایلچی به مظاهر تمدن غرب، می‌تواند سرآغاز غربگرایی روشنگران دوره‌های بعدی باشد. وی فرنگ برهمگی غرب را در اوج به تصویر می‌کشد، هرچند که خود، چه بسا به آن توجه ندارد.

۳-۲-۱ **حیرت‌های حیرت نامه: همانگونه که از نام آن تداعی می‌شود، دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده سراسر عجیب و غریب بوده استه از این رو نام «حیرت نامه» بر آن می‌نهاد.**

ما در اینجا فقط به نمونه‌هایی از این حیرتها اشاره می‌کنیم: ۱- دین تصاویر، مناظر، اینه و صنایع که به گفته خودش، هوش از سر او ریوده است «از مشاهده آن عمارات بدیع که نقاشان ارزش نزد در و دیوار آن را به ترکیبات خوب و تصویرات مرمغوب به رنگهای الوان ترصیع نموده» بوند، هوش از سرم پرواز نمود و در نزد رفعت آن عمارت، طاق کسری پستی نمود اگر خواهم شمه‌ای از اوصاف صنایع آن کلیسا را به قلم و زبان تحریر نمایم هر آینه لب به عجز گشاید.^{۳۰}

۲- مهمانیها و چگونگی برگزاری آن و آداب و رسوم حاکم بر فرهنگ عمومی از مواردی می‌باشد که وی را مجنوب کرده است. او در یکی از این مهمانیها، صحنه‌های مشاهده می‌کند که به گفته خود بـ «حیرت‌هایش می‌افزاید».^{۳۱}

۳- عشق بازی میان افراد که او از آن به «عشق حقیقی» تعییر می‌کند از دیگر مقوله‌هایی است که او حیرت زده می‌کند...^{۳۲}

۴-۲-۱ **حیرت نامه در نگاه تامل الف- غرب زدگی و فرنگی مأبی:** ایلچی در ضمن گزارش دیده‌ها و آموزه‌های خود خوانندگان را به بیرونی راهی فرا می‌خواند که فرنگیان مبتکر و طالبه‌دار آن هستند. او در ضیافتی حضور می‌باشد که نزدیک به نهد و بیست نفر از وزیران، امیران و شاهزادگان همراه با زنانشان گرد آمده بودند. در آن مجلس که صدای نوشان‌نش اهل محفل بر افالاک می‌رسید و هر کس خود را به وضع خوش پیرایه کرده بود، می‌گوید: «طرفة شهری است که شاهزادگان عظیم الشأن و وزرا و امرا و بزرگان به این مهربانی، نسبت به هم با زنان آفتاب طمعتان ایشان به این کوچک‌دلی و بی‌ساختگی دست هم را گرفته در سماع رود و سرود کامرانی کنند و غم روزگار از دل بیدلان زدایند. کاش این شیوه اعیان و اشراف انگریز [انگلیس] در مملکت ما نیز متناول می‌گشت».^{۳۳}

در جای دیگر پا را فراز گذاشته و عفت زنان انگلیسی را تا جایی می‌ستاید که آزو می‌کند تا زنان ایرانی نیز از این ره

شنیده‌ها مستند می‌باشد یا در بعضی موارد، خود از نحوه سلوک انگلیسیان مقیم در هند این مطالب را برداشت کرده است. به هر صورت، نوشتنهای شوستری در مقابل دیگر سفرنامه‌ها که نویسنده‌گان آن از تزدیک شاهد اعمال و رفتار غریبان بوده و طبق مشاهده‌های خود گزارش کرده‌اند، ازش کمتری دارد، البته این واقعیت بدان معنا نیست که ازش تاریخی کتاب را زیر سوال برد باشیم.

۲- ۲-۱ **نگاهی اجمالی به زندگان ایلچی:** میرزا ابوالحسن خان شیرازی، معروف به ایلچی پسر میرزا محمدعلی از اهالی توابع اصفهان و خواهرزاده حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی، صدر اعظم آقامحمدخان قاجار و فتحعلی شاه است و پدرش در عهد کریم خان زند به سر رشته‌داری سپاه مامور بود. میرزا ابوالحسن خان، این فرزند متalon ایران^{۳۴} به واسطه و استنگی به اعتمادالدوله در زمان صدارت او ملتی حاکم شوستر بود و بعد از گرفتاری و کشته شدن صدراعظم و بستگانش به هندوستان رفت و در

حیدرآباد توقف کرد و سپس به ایران بازگشت و در شیراز به منصب یساولی حسین علی میرزا فرمان فرما تعیین شد. ولی به علت ابرومند نبودن آن شغل از آن کناره‌گیری و به وسیله امین‌الدوله ترقی کرد و نزواتی جمع نمود.^{۳۵} تام برد

در سال ۱۲۲۴ قمری برای ماموریت به لندن رفت و تزدیک به یک سال و نیم در آن شهر زیست و سپس به ایران بازگشت و دیده‌ها و آموخته‌های خوش را که سراسر با

حیرت همراه بود در سفرنامه‌اش به نام حیرت نامه به نگارش درآورد.^{۳۶} وی در بیست و پنجم جملای الثاني سال ۱۲۲۹ قمری، برای تغییراتی در عهده‌نامه گلستان و تجدید نظر در مواد آن و سپس به امضا رسانیدن معاهده مزبور با هدایای بسیار به عنوان مامور فوق العاده به دربار روسیه رفت.^{۳۷} گزارش آن سفر از سوی مردی به نام محمد‌هادی علوی شیرازی نوشته شده است که رویدادهای گوناگون

تاریخی در چارچوب پیوند ایران با روس و انگلیس را در بردارد.^{۳۸} وی در سال ۱۲۳۳ قمری، دوباره با سمت سفارت، مامور لندن شد و به این منصب تا آخر فدادار بود و به گفته یکی از دیپلماتهای انگلیسی «تا آخرین روز زندگی خود

دوست خوبی برای دولت پهپده انگلیس «باقی ماند».^{۳۹} نام بوده ضمن عهده‌دار بودن سفارت انگلیس، مقام سفارت ایران در عثمانی، اتریش و فرانسه را نیز بر عهده داشت و پس از سه سال اقامت در ممالک اروپا در سال ۱۲۳۶ قمری به ایران بازگشت. وی در سال ۱۲۴۰ قمری در جایگاه

نخستین وزیر امور خارجه ایران تعیین شد.^{۴۰}

۴-۲-۲ **ویژگیهای برجسته حیرت نامه: ابوالحسن خان ایلچی دانش و کارشناسی نوین و نوگرایی را در حد خود به تصویر کشیده است به گونه‌ای که سخنان شیان شیان بیان می‌نماید.**

بی توجهی به مبانی اندیشه‌ای موجب شده است تا این سفرنامه‌ها به صورت جنگی از داستانهای عجیب درآیند.

مرسوم در آن کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یتیم خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و دیگر اینیه‌ها از نکنده‌های می‌باشد که این ایرانی شیفته ظواهر را به خود جلب کرده است. سراسر حیرت نامه پر از شرح مهمانیها، گشت و گذار، تفرج، دیدار از مزارع، باغها و منازل می‌باشد. داستانها،

تمام توجه سفرنامه نویسان ایرانی به دانش و ترقی اروپا
معطوف بود در حالیکه در همان زمان، مردم خاورمیانه و به خصوص ایران از ستم استعمار گران به ظاهر متفرق در امان نبودند. پیشرفت علوم و تکنولوژی باعث می‌شود که اینگونه افراد نتوانند غرب را با همه ویژگیهایش دریابند.
آنها غرب را مهد پیشرفت می‌دانند ولی به این نکته توجه ندارند که علت عقب‌ماندگی کشورشان (ایران) و دیگر کشورها چه می‌تواند باشد؟

بیشتر سفرنامه نویسان دوره قاجار و پیش از آن بدون توجه به مبانی نظری و معرفت‌شناختی غرب، نه تنها آن را مورد نقد قرار نمی‌دهند، بلکه آنرا به

ایران «ستنی» نیز تجویز می‌کنند و بدون در نظر گرفتن تمایزها بر تقلید، اقتباس و دریافت تکنولوژی بدون اندیشه و

متند علمی پافشاری می‌نمایند. بی توجهی به مبانی اندیشه‌ای موجب شده است تا این سفرنامه‌ها به صورت جنگی از داستانهای عجیب درآیند.

مرسوم در آن کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یتیم خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و دیگر اینیه‌ها از نکنده‌های می‌باشد که این ایرانی شیفته ظواهر را به خود جلب کرده است. سراسر حیرت نامه پر از شرح مهمانیها، گشت و گذار، تفرج، دیدار از مزارع، باغها و منازل می‌باشد. داستانها،



از نوشته‌هایش، نسخه فرنگی برای ایران می‌پیچد و نجات ایران و ایرانیان را در «قبول و ترویج تمدن اروپا بالاشتر و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و ترتیب و علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرنگستان بعون هیچ استشای(جز زبان) و کتاب گذاشتن هر نوع خودپسندی و ایرادات بی‌معنی که از معنی غلط وطن پرستی ناشی می‌شود و آن را وطن پرستی کاذب توان خواند» دانسته و معتقد است که «ایران باید ظاهرا و باطن، جسم و روح افرادی ماب شود وس.»^{۲۰} با این نکا، حیرت‌نامه را می‌توان جزو تحسین منشورهای غرب‌زدگی در دوره اقبالی^{۲۱} محسوب کرد.

د- تحلیل سطحی از ساختار سیاسی و فعالیت سیاستمداران در انگلستان: ابوالحسن خان ایلچی در مواردی که به بنیادهای حکومت و ساختار آن در غرب اشاره می‌کند، بسیار سطحی و با نگاهی خوش بینانه تحولات پیرامونی خود را تحلیل می‌نماید. برای نمونه، بحثی را درباره و کالای مجلس و چگونگی قانونگذاری در غرب ارائه می‌دهد که این تحلیل را در هیچ منبعی نمی‌توان یافت. وی معتقد است پارلمان در آنجا دستگاهی است که حق فقر و رعیت پایمال نمی‌شود و آن را به رعیت رعیت موظف می‌باشد و در وضع قوانین، همواره باید طرف رعیت در نظر گرفته شود.

در این روند، نایب شاه باید «ملاحظه کثrt کند؛ چنانچه هر طرف جمعیت ایشان به شماره بیشتر است قولشان اقوی و روحان دارد و در خصوص داد و ستد ایام گذشته در هر امری دقت کنند و ملاحظه جمیع و خرج مملکت نمایند که

حکایت می‌کند.

ج- سطحی انگاری و تقليد کورکورانه: هرچند

حیرت‌نامه ایلچی برخی روش‌های داشن و کارشناسی را به تصویر می‌کشد؛ ولی با نگاه سطحی و خام، تقليد کورکورانه از غرب را سفارش می‌کند. او علت پیشرفت و تحول در کشورهای غربی را بررسی نکرده و فقط جلوه‌های ظاهری ترقی، او را به حیرت درآورده است. هرچند آگاهی‌های نوینی که ایلچی در اختیار مخاطبین خود می‌گذارد، براز آنها سودمند بودند؛ ولی در مجموع وی آموزش‌های مورد نیاز آن روزگار را به طریق درست در اختیار ایرانیان نگذاشت و تمدن غرب را به شیوه‌های همه جانبه به ایرانیان معرفی نکرد. به عبارت دیگر، وی فقط حکایتگر اینیهای، اماکن و صنعت بوده اما چگونگی دست یافتن و مترقب شدن را ارائه نمی‌دهد و در مواردی هم که به اخذ تمدن سفارش می‌کند، سراسر با غرب‌زدگی همراه است. از همه مهمتر اینکه او با بدآموزی‌هایی که در نوشته خود به جای می‌گذارد به آسانی یکی از ریشه‌های غرب‌زدگی سده بیستم در ایران را به خود اختصاص می‌دهد. ابوالحسن خان در مقابل تکنولوژی اکثر نمودن مرد و زن به جمعیت، تو را حیرت دست داده؛

ز مردم اندکیز کسب می‌نمودند تا ایشان نیز روزگار به خوشلی و فراغت می‌گذرانند.^{۲۲} این موارد حاکی از عدم

درک روح مکتب اسلام و خودباختگی فرهنگی به تمدن

غرب می‌باشد.

ب- خودباختگی فرهنگی: ایلچی در وصف یکی از میهمانیها که زنان و مردان از اعماق و اشرافه بدون هیچ

محلوحتی بر سر یک میز نشسته‌اند تعجب می‌کند به گونه‌ای که این وضعیت حیرت او را برمی‌انگید و در پاسخ به سوال میس پرسول که می‌پرسد: «چنان می‌فهم که از

اکثر نمودن مرد و زن به جمعیت، تو را حیرت دست داده؛

خود انصاف ده که شیوه ما بهتر است یا شیوه شما که زنان را

نمی‌بیند؛ «عقل معاش اهل آن سرزمین به سرحد کمال است و تمامی ندارند. به اعتقاد خاطر و محrror این دفتر آنکه

اگر اهل ایران را فراغت حاصل شود، اقتباس از کار اهل

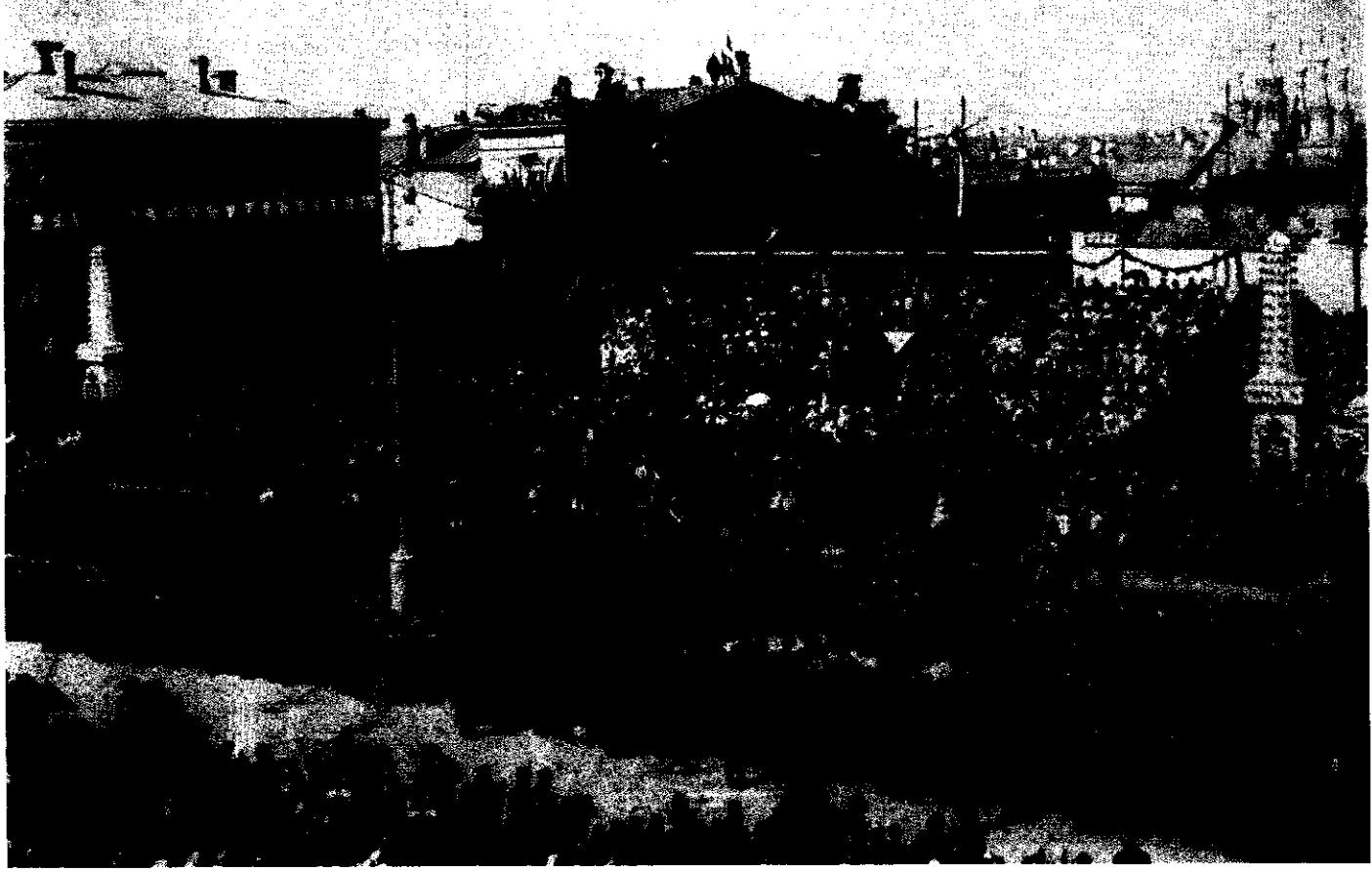
انگلیس نمایند، جمیع امور روزگار ایشان بر وفق صواب

گردد.^{۲۳} این سفارش در آینده‌ای بسیار نزدیک به وسیله

میرزا ملکم خان و بعد از او به وسیله سید حسن تقی زاده به

برتری فرهنگ معاشرت فرنگیان از خودباختگی به فرهنگ

بی‌اعتمادی به فرهنگ اسلامی - سنت ایران



نولد و مرگ او اطلاع چندانی در دست نیسته ولی می‌دانیم که وی پیش از آنکه در سال ۱۸۱۵ م. برای تحصیل به انگلیس رود، در دستگاه عباس میرزا در تبریز به کار دست‌نگاری مشغول بوده است.^{۲۲} میرزا صالح نه تنها از پیشوایان اندیشه نوآوری در ایران به شمار می‌رود؛ بلکه در زمینه نوسازی ایران به طور مستقیم نیز در تکاپو بوده است. او پس از آموزش زبانهای انگلیسی و فرانسه و فراگرفتن برخی دیگر از دانشها و هنرها از جمله فن چاپ در لندن، نخستین چاچانه دولتی ایران را در تبریز به کار انداخت و برای اولین بار روزنامه‌ای به نام کاغذ اخبار را در تهران منتشر کرد.^{۲۳} میرزا صالح مردم پرکار، باهوش و کوشاید و گرایش فراوانی به آموختن دانشها و فنون نوین غرب داشت و تا آنجا که سفرنامه وی نشان می‌دهد، به آشنا ساختن ایرانیان با آن دانشها و فنون سخت دل بسته بود. وی از نوگراییهای نوآوریها و نوسازیهای جهان غرب به ویژه روسیه و انگلیس به طور گسترده سخن می‌گوید و درباره سیاری از آنها گرایشانی هواخواهانه از خود نشان می‌دهد. وی از پیشوافتگان ایرانیان اینگلستان در داشت، امور اداری، کشورداری و در زمینه‌های گوناگون بسیار باد می‌کند. صنعت چاپ، علم شیمی، نظام پارلمانی، اهمیت حکومت قانون، لزوم آزادی برای مردم، شرکت مردم در حکومت از طریق انتخابات عمومی، اخذ آرا و محدود بودن قدرت و اختیارهای شاه از مسائلی است که میرزا صالح در زمینه نوگرایی مورد بحث قرار داده و به شیوه‌ای آگاهانه به هم میهنان خویش شناسانده است.

سبادا دیناری بر رعیت نقصان رسد و تا همگی وزرا متفق نگردد، دیناری از رعیت نگیرند و نه بر رعیت رسانند و خاصیت وکلا این است که همواره جانب رعیت را از دست ننهند و از راه صداقت و خیرخواهی شاه و رعیت سخن گویند و شاه تواند که هروقت خواهد پارلمان را موقوف دارد.^{۲۴} وی از پیشگامانی می‌باشد که میاختی مانند اعتبار رای اکثریت را مورد بحث قرار داده است. او می‌گوید در هنگامی که موضوع رای مردم مطرح می‌گردد، جانب اکثریت اقوی است و رجحان دارد.

هـ- حیرت‌نامه، ظاهر شخصیت خوشگذران و شهوت پرست ایلچی: آنچه در این نوشته آمده است، شانگر حاکمیت روحبیات ایلچی می‌باشد. هرجند وی می‌خواهد به گونه‌ای خود را صداقت و به دور از بسیاری اتحارهای اجتماعی نمایان سازد؛ ولی روح حاکم بر این نوشته، عبارت از خوشگذرانی و شهوت پرستی حیرت‌انگیز این مسافر فرنگ می‌باشد. سرتاسر نوشته، وصف عیش و نوشها، رقصها و آوازه‌خوانی مهربان فرنگ می‌باشد که همچنان به حیرت ایلچی می‌افزاید. این ایرانی متلون، شبهای بسیاری را در سرگرمیها می‌گذراند اما باید توجه کرد که آیا او به جز شرکت در مهمنیها و تماشای صحنه‌های وقیع وظفه دیگری نداشته است؟ چقدر تاسف‌انگیز است که رجال سیاسی ایران در آن زمان هنگام کار و انجام وظیفه با تمام هزینه‌هایش، خود را به چه کارهایی مشغول می‌کرند.

۳- گزارش سفیر میرزا صالح شیوازی: میرزا صالح شیرازی، فرزند حاجی باقرخان کازرونی می‌باشد. از تاریخ

عجایب امد، ناقوس این کلیساها است. در ولایت روس، هر یک از بزرگان که اظهار دینباری می‌کند ناقوسی به جهت کلیسا می‌سازد و هر که را ارادت و اخلاص به دین عیسیوی زیاده استه ناقوس آن بزرگ‌تر است. او را اعتقاد زیاده و شهرت آن در میانه مردم بیشتر و عامه مردمان او را بشتر لاحظه می‌کنند.^{۵۳}

۷-۳- کاستیهای گزارش سفر میرزا صالح: باید اذعان کرد که وی، همانند بسیاری دیگر از پیشووان اندیشه نوگرایی در ایران از پیوند جدی نایاب «دانش» و «کارشناسی غرب» با روش «استعماری» آن و خطری که این دو عامل همساز، نیرومند و فراگیر، جهان و ایس مانده از جمله ایران را سخت مورد تهدید قرار می‌داد، هرگز سختی هشدار دهنده به میان نیاورده و برای رویارویی ایران با آن خطر، راحل سودمند و عملی پیشنهاد نکرده است. آیا چون وی در انگلستان، عضو «انجمن فراماسونگری» شد روی گردانی وی از سخن درباره استعمار غرب، زاییده سرسپردگی وی بدان سازمان نبوده است؟^{۵۴} آیا عضویت وی همانند دیگر دوستاشن در «انجمن فراماسونری» دلیلی بر این روی گردانی تمی تواند باشد؟ بحث از دگرگونیهای حکومتی مغرب زمین، همه جای این سفرنامه را پر کرده؛ ولی درباره مبانی آنها بحث نشده و تنها به روند تحولات بسنده شده است. میرزا صالح با تأکید بر این نکته که نظام حکومتی و نهادهای انگلستان «مخصوص است به خود انگلند» از بحث در مبانی با این بیان که «سالها جانها کنده و خونها ریخته‌اند» طفره می‌رود یا شاید بر این تصور بوده است که با جان فشانی و خون ریختن می‌توان «به آن بایه رسید»^{۵۵} و می‌نویسد: «قواعد دولتاری و قوانین مملکت انگلند مخصوص است به خود انگلند. به این معنی که هیچ کدام از ممالک دنیا نه به این نحو منظم است و نه به این قسم مرتب. سالها جانها کنده و خونها ریخته‌اند تا اینکه به این

۴- تیجه گیری: با این مختصر، بحث سفرنامه‌ها را به پایان میریم و معتقدیم که واقعیتهای غرب آنگونه که باشد انعکاس می‌یافته نه معنکس شده و نه نویسنده‌گان آنها توانایی درک و واقعیتها و اصول تمدن غرب را داشتند تا در بازگویی آن بکوشند. اگر هم گاهی پرتوی بسیار ضعیف از آن مشاهده می‌کردند، قدرت تحلیل و انبیان با فرهنگ ایرانی را داشتند و در این میان، آنچه از آنها دلبری می‌کرد در حد صنعت و تکنولوژی بود که با تحقیق فرهنگ خودی به اخذ اقتدار، آن سفارش می‌نمودند.

نکته دیگری که باید یادآور شد اینکه نگاه اکثر سیاحان اولیه ایرانی به جامعه اروپایی و فهم آنها از ساختار و کارکرد آن جامعه، تهنا از دید طبقه‌های بالای آن سرمیم مایه می‌گیرد؛ چراکه عومنا برخورد و گفتمان آنان در فرنگ با این طبقه‌ها بوده و کمتر در مجتمع عمومی و سطوح پایین جامعه ظاهر می‌شوند. نکته‌هایی مثل آزادی، مساوات، قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی زنان و تجميلات ظاهري، اين سياحان را شيفته خود كرده است؛ چيز هايي که به ظاهر در جامعه سنتي ايران یافت نمي شد. هر آنچه که به نوعی در غرب وجود داشت و در جوامع سنتي یافته نمي شد اين سیاحان دلبری می‌کرد.

مزبور بدون تاثیر می‌ماند. بالجمله، دولت انگلیز [انگلیس] را مثل دستگاهی قیاس کرده‌اند سه گوشه^{۲۸}

۴-۳- تنافس در رفتار و آیین اربابان کلیسا: دیدگاه انتقادی وی به آیین کلیسا از نکته‌هایی است که میرزا صالح به آن توجه داشته و در مواردی چند به آن اشاره می‌کند.

برای نمونه، وی هنگامی که می خواهد درباره دین مسیح و چگونگی برخورد حاکمان کلیسا با مردم تحقیق کند به نکته های جالب و قلیل توجه دست می باید. میرزا صالح اظهار می دارد که کلیسایران، افساری بر گردن مردم نهاده اند و آنان را به هر طرف که خود می خواهند می کشند. وی اساس دین و دینداری را کالایی می داند که در میان اربابان کلیسا یافته نمی شود « اعتقاد ایشان را گرچه قابل نوشتمنیست و بالجمله اساسی که ایشان در پای کار اورده اند مختصراً افساری به گردن جهال (رامنه ستن و در این بین اساس بزرگی به جهت خود چیدن و عوام را به قصه و حالت ایجاد کنند. در این فصل نیز از دو نظریه ای از

دانستن فریب داش بوده است و برخای ریسمانی و روایت عبادات از اشخاصی که در این کلیسا معبده عالم به عبادت مشغولند مشاهده نکردم. بلی، اساسی است که عوام الناس این طایفه، صورت صلیب دیده جبهه سا شوند و کشیشان آنها را فریب دهند.»^۴

از این رو تصمیم می‌گیرد تا درباره پاره‌ای از مطالب آن دین تحقیق کند و سوالهایی از کشیشان آنجا داشته باشد. میرزا صالح در پایان این سوال و جواب به این نتیجه می‌رسد: «الحق این نحو عبادت با بتپرسی مطلقاً تفاوتی در نظر بمنه ندارد. به علت اینکه در بتخانه‌ها بتپرسستان سچده به بت کرده، صورت پرسنده و در کلیسا سچده به اشکال متعدد کرده و حال اینکه هیچ کدام موافق متن واقع درست نیست.»^۵ بنابراین انکاوس واقیتی به دور از تصریب از روش‌بینی این ایرانی روشنگر حکایت دارد و از نفاط قوتو گزارش سفر وی می‌تواند باشد.

۵-۴- صورت پرستی، نمادی از بت پرستی: میرزا صالح هنگامی که آیین کلیسا و آداب و رسوم آنان را می‌بیند، در ذهن او این سوال نقش می‌بندد که تفاوت بتپرستی و آداب و رسوم کلیساییان که نمادی از بت پرستی می‌باشد در چیست؟ چون «صورت بعضی از علمای ادیان آنها و حواریان حضرت عیسی را کشیده‌اند و به آنها نیز احترام می‌نمایند و به تدریج صورت پرست شده‌اند. در اصل علاوه بر صورت مریم و حضرت عیسی که در هر طرف به صورت و هیات علیحده کشیده‌اند با صلیب و غیره که همیشه عیسیویان سجده به صورتها می‌نمایند. در بالای هر کلیسا ای که صورتی از سنگ یا صورتهای متعدد از سنگ است از علمای دین و حواریان و غیره می‌باشد.^۵» بعد از این تحلیل، رفتار و منش عامه مردم را نیز نقد می‌کند و معتقد است منش و رفتار آنان گونه‌ای از بتپرستی است: چراکه «عامه مردم هنگام عبور به محض رویت به آنها ایستاده احترام و تعظیم به آنها نموده، بعد از آن می‌گذرد. اگر این طریق عبادت را شرک ندانم پس کدام یک شرک خواهد بود؟!»^۶

۳-۶- ناقوس کلیسا نماد دینداری: میرزا صالح در این سفر از اماکن قدیم به ویژه از کلیساها نیز دیدن می‌کند. وی در یکی از این دینارها به نکته جالبی اشاره دارد که عقل وی نمی‌تواند آن را بپذیرد. «از جمله چیزهایی که به نظر بند

۱-۳- جایگاه سفرنامه میرزا صالح در میان سفرنامه‌ها:

قابل توجه می باشد او که در زمرة نخستین منور الفکران ایرانی است، جز دومین دسته از محصلان ایرانی بود که به دستور عباس، میرزا و یعیهد برای تحصیل، علوم جدید به

انگلیس اعزام شد^{۲۴} همین امتیاز، سفرنامه‌لو را از دیگر سفرنامه‌ها متمایز کرده است. او در سفرنامه خود به طور جدی برای درک غرب جدید می‌کوشد. به نظر می‌رسد او نخستین ایرانی می‌باشد که با پشتوانه نوعی خردورزی به سفر غرب رفته است و از این حیث سفرنامه او دارای جایگاه ویژه‌ای در میان متنوی می‌باشد که برای شناخت غرب زمین در اختیار داریم. ویزگی دیگر این است که آن را می‌توان اولین تاریخ انگلیس به زبان فارسی دانست. گزارش سفر میرزا صالح صرف دیده‌ها و شنیده‌ها نیسته بلکه او با تکیه بر مطالعه کتابهای متعدد به داشش خود می‌افزاید. وی در این گزارش شمهای از تحولات غرب زمین را بازگو می‌کند که از اهمیت ویژه‌اء، برخوردارند.

۲-۳- تحولات سیاسی، نفعه اوج سفرنامه: چنین می‌نماید که آنچه در میان دگرگونیها و نوآوریهای تاریخ انگلستان پیشتر از همه، نظر میرزا را به خود جلب می‌کرد، تحولات سیاسی این کشور بود که سبب می‌شد انگلستان «از حالت جهالت»، چنانکه «ولایت عربستان و غیره» گرفتار آن بوده‌اند به «ولایت آزادی» تبدیل و به مرتبه کمال بررسد. «و چون تاریخ انگلند را مفصلًا خوانده و طریقه شعر و آیین ولایت داری این ولایت را خواهند و آنچه استنباط نمودم این ولایت هم مثل ولایات عربستان و غیره مردم شریر و مفسد و خون‌ریز بوده. از چهارصد سال قبل الی حال، مردم روی به طریقی نموده‌اند. بالفعل این را بهتر از همه ممالک ساخته‌اند و هریک از پادشاهان به وسیله‌ای از وسائل، در صدد تربیت و ترقی، مردم برآمدند و دیگری بعد از آن در انجام و انتقام

بنیادی که پادشاه سلیمان گزرنده بود.^{۴۵} «اهلی انجگاند در صدد تحصیل علوم و کسب هنر و ترقی خود بوده چنانکه به اندک وقتی از حالت جهالت به مرتبه کمال آمداند.^{۴۶}

۳-۳-۳- نهادهای دموکراتیک و میرزا صالح شیرازی:
وی بعد از آنکه تاریخ تسبیت مفصلی درباره تحولات مغرب زمین به دست می‌دهد نکته‌هایی نیز پیرامون نهادهای دموکراتیک جدید آن سامان یادآور می‌شود. در میان مباحث کتابه از نهادهای مدرن، نهاد قانونگذاری و عملکرد آن، به صورت مهمترین نهاد سلطنت مشروطه و حکومت قانون صفت داشت. کتابه از این نهادها در قابله مجاز، عمامه و حاره‌گاه

ویژه‌ان در نهادهای سیاسی نظام مشروطه بر آن است که هماهنگی میان سه نهاد سلطنتی مجلس عوام و مجلس اعیان را به تصویر بکشید. وی معتقد است که این سه نهاد سبب شدیه است تا انگلستان به لایت آزادی تبدیل شود.^{۴۷} «و هیچ حکمی جاری نمی‌شود اعم از کلی و جزئی، مگر بر رضای هر سه فرقه. فرضاً اگر پادشاه حکمی کند که موافق مصلحت ولایتی نباشد، وکیل رعایا مقاومت و ممانعت در جریان حکم مزبور نموده، مطلاقاً تأثیری نمی‌بخشد و جاری نخواهد شد. و همچنین اگر خوانین و پادشاه متفق شوند و وکیل رعایا راضی نبوده، ایضاً حکم آنها، اگرچه مقرر به مصلحت بوده، جاری نخواهد شد و اگر پادشاه و وکیل رعایا اراده در انتظام مهمی نماید و خوانین قول نکند، مهم

با منفکرانی که دری اعتمادی ایران بودند جدا است؛ چراکه افرادی مثل امیرکبیر، اگرچه کارهایشان خالی از اشتباه نبود ولی در پی انحلال فرهنگ ملی و بومی ایران بودند و در مقابل فرهنگ خودی سر تعظیم داشتند و این در حالی است که اکثر متجلدان غربگرا در اوین گام برخورد با تمدن پیگانه، فرهنگ خودی را زیر سوال برده و آن را انحطاط آفرین قلمداد می‌کردند.

۴-۱- مجامع فراماسونی، حلقه اتصال سفرنامه نویسان: در آغاز اوج استعمار بورژوایی غرب، نخستین سفیران ایران در اروپا، مانند عسکرخان ارومی، میرزا ابوالحسن خان ایلچی و میرزا صالح شیرازی، یکی سی از دیگری و به آسانی در جرگه فراماسونی انجلستان در آمدند و برتیانی را هلاخت آزادی» نامیدند، پس ازکه با صداقت بگویند میان «آزادی» مورد درخواست آنها با آنچه ایرانیان آن روزگار درمی‌یافقند و به آن نیاز داشتند چه تفاوتی وجود دارد.^{۵۷} فراماسونی ویزگی عمله این سفرنامه نویسان بود هرچند که عضویت تها در این مجتمع دلیلی بر نفی آنان نمی‌شود ولی به هر حال یک علامت سوال جدی در مقابل این افراد قرار می‌گیرد. میرزا ابوالحسن خان در لندن به وسیله «سرگور اولی» به عضویت از فراماسونی ابدی و خیلی سریع مراجعت آن را می‌گذراند و به «برادر سیار ارجمند» ملقب می‌گردد. درین باره نشیریه‌های فراماسونی انگلستان در آن دوران چنین می‌نویسن: «بنابر انتقادات و مراسم تاریخی فراماسونی، روز پانزدهم زوئن^{۵۸} عالی جناب میرزا ابوالحسن خان به عضویت از فراماسونی درآمد. روزی که او فراماسون شد سی و پنج نفر از اعضای اصلی از و پنج مهمان عالی قدر از لژهای معروف انگلستان که لرد موریا و دوک سوسکس نیز جزو آنها بودند باشکوه و جلال زیاد مراسم را انجام دادند».^{۵۹} میرزا صالح نیز هنگامی که در لندن به سر می‌برد، همانند ایلچی به حلقه فراماسونی می‌پیوندد^{۶۰} و آنگونه که از عبارتهای او برمی‌آید به درجه ایزی می‌رسد. میرزا صالح شیرازی در این باره می‌گوید: «در صحنه کلیسا مستر هریس نامی را که بزرگ خانه فراموشان بود و بنده را به دو مرتبه از مراتب مزبوره رسانیده مرا دیده مذکور ساخته که یک هفتنه بیگر عازم ایران نمی‌شید و فرد افراموشانه باز استه اگر فردا شب خود را به آنجا رساند، مرتبه ایزی را به تو می‌دهم و اگر نه ناقص به ایران می‌روی».«^{۶۱}

۴-۲- سفرنامه‌ها بازتاب دوره اقتباس و تقلید مدرنیته تک بعدی: اقتباس از غرب به طور پراکنده در ایران، سالها پیش از مشروطه آغاز شده بود که نمونه کامل آن را در اخذ تکنولوژی نظامی و اقتصادی در اخیر دوره صفویه و اوایل دوره قاجاریه می‌توان دید. ولی به طور منظم تقلید از غرب با گسل محصلان و افراد سیاسی به اروپا و استخدام مستشاران نظامی از کشورهای پیگانه برابر بهبود بخشیدن به روند روبه انحطاط کشور، پس از شکستهایی در بین ایران از رویه شروع شد و تا مشروطه ادامه یافت. این بدان معنا نیست که بعد از مشروطه اقتباس از غرب وجود نداشتند بلکه فراتر از آن نیز مشاهده شد که به طور طبیعی تکنولوژی هم جزء آن بود. نخستین سفرنامه‌ها نیز در این دوره به نگارش درآمدند است که از مهمترین منابع آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های اقتباسی از غرب می‌تواند باشد. البته نباید تظاهر داشت که در این دوره سفرنامه تویسان آشنا به مبانی و

۱۵

- ۲۱- میرزا ابوالحسن خان ایلچی، حیرت نامه سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به لندن، به کوشش حسن مرسلوند تهران، رسم، ۱۳۶۴، ص ۲۵-۲۶.
- ۲۲- عبدالهادی خانی، نخستین روبازیهای اندیشه گران ایران با در روبه تملن بروزگاری غرب، جلد سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۲۸.
- ۲۳- میرزا ابوالحسن خان ایلچی، همان، ص ۲۷.
- ۲۴- عبدالهادی خانی، همان.
- ۲۵- دنیس رایته ایرانیان در میان انگلیسیها، صحنه هایی از مناسبات ایران و بریتانیا، ترجمه: کریم امامی، تهران، شرکه نو، ۱۳۶۸، ص ۲۶.
- ۲۶- میرزا ابوالحسن خان ایلچی، همان، ص ۲۷.
- ۲۷- به عنوان مثال می‌توان به آموش کودکان برای یادگیری صفت از بورهنگی و برخنگی فرهنگی از زمانهای قدیم نیز در لوپوا رواج داشته است از آن رو جای تجنب نیست که اعمال منطقی علت به عنوان قانون در بعضی کشورها به مرحله اجرای گذاشته می‌شود.
- ۲۸- ایلچی، همان، ص ۲۹.
- ۲۹- همان، ص ۳۱.
- ۳۰- همان، ص ۳۲.
- ۳۱- همان، ص ۳۳.
- ۳۲- همان، ص ۳۴.
- ۳۳- همان، ص ۳۵.
- ۳۴- همان، ص ۳۶.
- ۳۵- همان، ص ۳۷.
- ۳۶- همان، ص ۳۸.
- ۳۷- همان، ص ۳۹.
- ۳۸- همان، ص ۴۰.
- ۳۹- برقی بر این بارونه دروده ایلیانی را در روند آشنایی ایرانیان با امدن منغ زمین، می‌توان به دوره های مشخصی اشاره کرد که در این مطالعه و تقدیم تک بعدی دوره قبول مدرنیته ایلیانولوژیک و در آخر دوره نقد مدرنیته که با انقلاب اسلامی سمت و سوی و وزیری به خود گرفته است.
- ۴۰- میرزا ابوالحسن خان ایلچی، همان، ص ۴۱.
- ۴۱- عبدالهادی خانی، نخستین روبازیهای اندیشه گران ایران با در روبه تملن بروزگاری غربه همان، ص ۴۲.
- ۴۲- روزنامه طلیعه کاغذ اخبار، روز دوشنبه بیست و پنجم محرم الحرام ۱۲۵۳، ق انتشار یافت که هر ماه یکبار مقاله ایجاد می‌شود. مجله پلاکار، سال اول، شماره ۴، ص ۵.
- ۴۳- در سال ۱۲۵۰ ق فمی، عباس میرزا دومن دسته ای احتمال ایرانی را روانه تحصیل نمود که اساسی آنلی به قرار زیر است: میرزا رضا صوفیه دار برای تحصیل نوبختانه، میرزا جعفر برای مهندسی، میرزا صالح برای تحصیل زبان انگلیسی و محمدعلی چخماق ساز برای یادگرفتن قفل و کلید سازی (میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۴۴).
- ۴۴- میرزا صالح شیرازی، سفرنامه میرزا صالح به کوشش غلامحسین میرزا صالح تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۱۹۲.
- ۴۵- میرزا صالح شیرازی، سفرنامه میرزا صالح به کوشش غلامحسین میرزا صالح تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۱۹۳.
- ۴۶- همان، ص ۱۹۴.
- ۴۷- سید جواد طباطبائی، دیلچه ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰، ص ۲۲.
- ۴۸- میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۲۶.
- ۴۹- همان، ص ۵۰.
- ۵۰- همان، ص ۵۱.
- ۵۱- همان، ص ۵۲.
- ۵۲- میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ویرایش دیلچه و پاپوش از همایون شهیدی، جلد اول، تهران، موسسه انتشاراتی ایران، ۱۳۵۲، ص ۶۷.
- ۵۳- میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ویرایش دیلچه و پاپوش از همایون شهیدی، جلد اول، تهران، موسسه انتشاراتی ایران، ۱۳۵۲، ص ۶۸.
- ۵۴- عبدالهادی خانی، همان، ص ۶۹.
- ۵۵- سید جواد طباطبائی، همان، ص ۷۰.
- ۵۶- میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۷۱.
- ۵۷- عبدالهادی خانی، همان، ص ۷۲.
- ۵۸- نشریه‌های فراماسونی که در آنها جوان غصوبیت میرزا منعکس شده است عبارتند از: مجله فراماسونی، آینه ماسونیکه مجله اروپایی، تاریخ فراماسونی در جهان و تایله المغارف فراماسونی (میرزا ابوالحسن خان ایلچی، حیرت نامه همان، ص ۷۳)، میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۷۴.
- ۵۹- میرزا صالح شیرازی، همان، ص ۷۵.
- ۶۰- دیلچه و پاپوش از همایون شهیدی، تهران، انتشارات راه، نو، ۱۳۶۲، ص ۷۵.